



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۶/۱۷

م. داؤد موسی

جواب مختصری به جناب حمید انوری



نوشته معنون به "این نوده بلوط است پیوند نمی گیرد" منتشره تاریخی ۱۴ جون ۲۰۱۹ پورتال عزیز "آریانا افغانستان آنلاین"، آنهم به قلم توانای شخصیتی چون آقای حمید انوری را من از نظر گذشتاندم و لازم دیدم تا چند نکته ذیل را در تأیید آنچه از یکی از منابع اصلی خبر در مورد چگونگی وفات مرحوم احمد ظاهر شنیده بودم - این بار با تبصرات خود بر اعتراضات جناب حمید انوری ذیلاً به عرض برسانم.

• اول: "جناب شان با اتکاء بر مصاحبه خانم ظاهره (خواهر احمد ظاهر) مبنی بر شهادت آن خانم در مورد این که مرحوم احمد ظاهر قربانی تروریسم خلقی بوده است، یاد آور شده اند." حال آنکه طبق معلومات مؤثقی که من به دست دارم، خانم ظاهره ظاهر (خواهر احمد ظاهر) حین وفات احمد ظاهر در کابل چه، که حتی در افغانستان نیز تشریف نداشتند. پس اظهارات ویدیویی شان بر مبناء آنچه از دیگران شنیده بودند می باشد.

حالا اگر این مطلب شنیده را با آنچه که من از چشم دید شخص آصف ظاهر بیان کردم مقایسه کنیم، رجحان شنید بر دیده میشود. در ویدیوی مذکور حتی آن خانم از پدر خود منحيث یک شاهد عینی نیز درین مورد نقل قول نکردند.

• دوم: محبوب الله خسبره آصف ظاهر (برادر احمد ظاهر) بود که در سفر تاریخی اخیر احمد ظاهر به سوی سالنگ با وی همراه و درپور موتر نیز بود، میگوید: "من باری حین رانندگی و حرف زدن به عقب خود نگاه میکردم که ناگهان احمد ظاهر با یک صدای نا مأنوسی مرا متوجه موتري که از پیشرو می آمد، ساخت. اما هشدار او بسیار ناوقت بود و موتر از سرک منحرف شد".

برآوردن چنین صدایی توسط احمد ظاهر - من حیث یک هشدار در حین مشاهده کدام خطر - بعداً به تصدیق آصف ظاهر نیز رسید که گفت "احمد ظاهر چنین عادتى را دارا بود".

خود محبوب الله از اثر این سانحه بی هوش گردید و میگوید "وقتی چشم باز کردم، خود را در یک موتر پیکپ با دو نفر پولیس یافتم که یکی از آنها به دیگری می گفت، اینه یکی دگیشام مردار شد". پس اگر پای سوء قصد در میان

بوده باشد، چطور محبوب الله این قدر احمق می شود که با قبول عواقب آن، در راه سالنگ موتری را که خودش سوار آنست، از سرک منحرف نماید که در نتیجه چندین لوت هم خورد؟

می نویسند که جسد احمد ظاهر برای چند روز در اختیار جنایت کاران خلقی قرار داشت و حاضر به برگشتاندن آن به فامیلش نبودند. درین مورد تنها حافظه من همین قدر گواهی میدهد که آصف ظاهر بیشتر از سه چهار روز بعد از وفات برادرش از دفتر غیبت نه نمود. ممکن است من درین مورد به خطا هم رفته باشم.

• سوم: موضوع غیر قابل فهم در نوشته اخیر انوری صاحب اینکه ایشان ازینکه مرحوم داکتر ظاهر خان (پدر احمد ظاهر) به منظور یافتن آثار زخم های دیگر، جسد پسر خود را بعد از برهنه نمودن آن بر روی میز نان انداخته باشد، اظهار تعجب نمودند. اما ازینکه احمد ظاهر به خانم خود گفته باشد که محبوب الله خائن در صدد قتل او می باشد، ولی با آن هم حاضر شد تا با "همان خائن" بیرون از شهر مسافرت نماید، هیچ تعجبی نکردند. عقل من همین قدر قد می دهد که اگر من متیقن شوم که یکی از نزدیکان من - ولو برادرم هم باشد - با دشمنانم در صدد از بین بردن من است، اگر تمام اعضای فامیل را هم به خانه من بیاورد، هرگز با او در یک راه نمی روم.

جواب من در مورد این سؤال جناب انوری صاحب که چرا این موضوع را حین حیات مرحوم آصف ظاهر مطرح ننمودم اینست که آن مرحوم در ظرف کمتر از یک ماه بعد از سفر من به پشاور - که در اثنای آن همین مطلب مورد منازعه را بمن گفت - ازین جهان رحلت نمود.

در مورد سائقه من در انتخاب عنوان "ازین نوده هم پیوند کنید" این بود که چون یک پندار سرتا سری راجع به قتل احمد ظاهر وجود داشت، و دارد، بهتر بود خوانندگان به تاسی از پرنسپ "انصاف ژورنالیستیک" از وجود یک نظر مخالف نیز واقف باشند.

در پایین باید به عرض برسانم که اهل خبره می دانند که غیر از مؤجزی که من قبلاً و در بالا عرض کردم، بسا چیزهای دیگر هم وجود دارد که با ذکر آن پای یک عده بیگناهان هم به میان کشیده می شود و من به خود حق ذکر آن را نمی دهم. هم امیدوارم تا جناب انوری صاحب و شما خوانندگان درین امر مرا معذور بدارید. الله یاور.

*** **

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

جواب مختصری به جناب حمید انوری

[d_moosa_۵۲_jawab_mokhtasarey_ba_j_anwari.pdf](#)